



تشکل صنفی و حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران

تجربه‌های ملی و حمایت‌های بین‌المللی در مورد تأمین و توسعه استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاری

دکتر کاظم معتمدنژاد

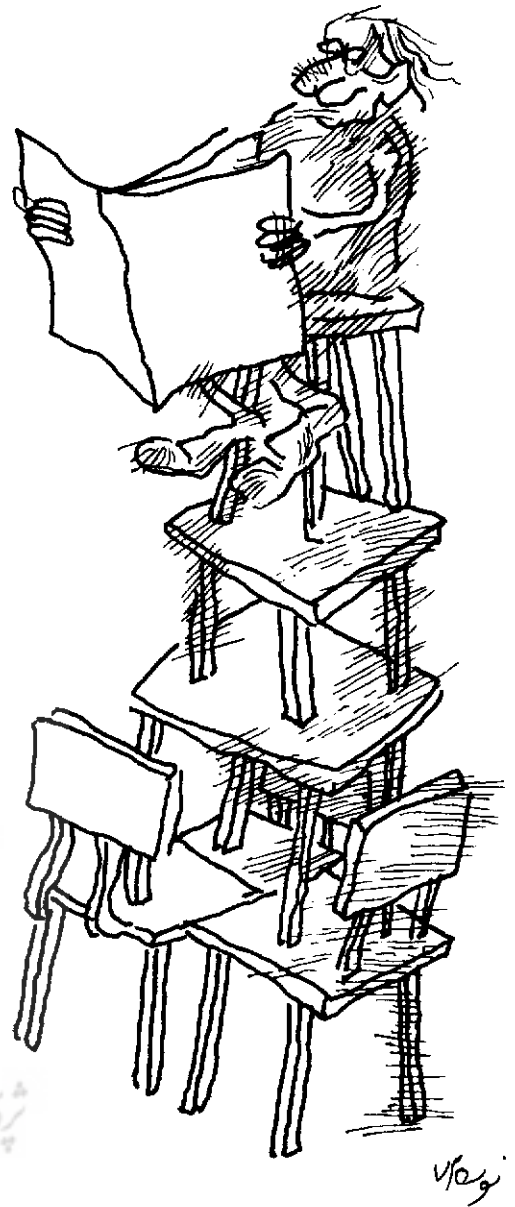
اشاره:

توجه تازه‌ای که در ماه‌های اخیر از سوی بسیاری از روزنامه‌نگاران برای ایجاد تشکیلات خاص حرفه‌ای آنان پدید آمده است و حمایت قاطعی که در این مورد از طرف مسؤولان عالی مملکتی صورت گرفته است، این امید را گسترش داده است که نویسندگان و خبرنگاران و سایر همکاران تحریریه‌ای مطبوعات و همچنین اعضای بخش‌های خبری خبرگزاری‌ها و رادیو - تلویزیون، به زودی سازمان حرفه‌ای خویش را تشکیل دهند و به کمک آن، برای بهبود شرایط صنفی و تأمین استقلال شغلی خود، همچون پزشکان و وکلای دادگستری، از یک نظام مستقل و قانونی برخوردار شوند و بدین طریق در راه اعتلای روزنامه‌نگاری و پیشرفت و گسترش مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی ایران، گام‌های مؤثری بردارند.

در این مقاله، با در نظر گرفتن اهمیت ویژه ایجاد سازمان حرفه‌ای روزنامه‌نگاران، به عنوان موضوع روز، ابتدا سوابق تاریخی این امر در کشورهای غربی و مخصوصاً فرانسه یادآوری می‌گردند و پس از اشاره مختصر به تجربه‌های فلی ایران در دوره پیش از انقلاب اسلامی، کوششها و حمایت‌های سازمان‌های بین‌المللی و بیش از همه «یوتسکو» در این زمینه مطرح می‌شوند.*

حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران، یکی از مهمترین شاخه‌های حقوق ارتباطات جمعی است و تازه‌ترین آنها نیز محسوب می‌شود. دو شاخه دیگر این رشته حقوقی، شامل مقررات «تأسیس و اداره وسایل ارتباطی» و «مقررات حاکم بر محتوای پیام‌های ارتباطی» - مندرجات روزنامه‌ها، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی - از حدود یک قرن و نیم پیش، به دنبال «انقلاب‌های دموکراتیک» بورژوازی غربی و اعلام آزادی مطبوعات در ماده ۱۱ «اعلامیه حقوق بشر و شهروند» انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹ میلادی) و در نخستین اصلاحیه قانون اساسی ایالات متحده آمریکا (۱۷۹۱ میلادی)، پایه‌گذاری شده بودند. اما با وجود به رسمیت شناخته شدن این آزادی، در کشورهای اروپایی و به ویژه فرانسه و انگلستان، بر اثر تعارض‌های گوناگون جناح‌های انقلابی آزادی‌گرا و مردم‌گرا و همچنین نیروهای سیاسی قدیمی وابسته به نظام فئودالیسم و استبدادی قبلی و نیروهای جدید وابسته به نظام نوحاسته سرمایه‌داری و آزادی‌گرا، در نیمه اول و حتی ربع سوم قرن نوزدهم، آزادی مطبوعات با محدودیت‌های فراوان روبرو بود. ضرورت صدور امتیاز انتشار مطبوعات و سانسور مندرجات آنها قبل از انتشار و نیز لزوم پرداخت ودیعه‌های سنگین مالی و مالیات‌های مختلف برای تأسیس و اداره روزنامه‌ها، از تحقق آزادی‌های اعلام شده، جلوگیری می‌کرد.

از نیمه دوم قرن نوزدهم، پس از عقب رانده شدن نیروهای مردمی و تضعیف وابستگان نظام فئودالیسم و تحکیم قدرت بورژوازی، در حالی که با پیشرفت و گسترش لیبرالیسم اقتصادی، فعالیت‌های صنعتی و بازرگانی سرمایه‌داران اروپا روبه توسعه گذاشته بودند و مطبوعات تجارته‌خبری، جای مطبوعات انقلابی و عقیدتی را گرفته بودند، آزادی فعالیت مطبوعات نیز رونق روزافزون



قرن پس از تصویب قانون مطبوعات ۱۸۸۱، پارلمان فرانسه، قانون مخصوص حرفه روزنامه‌نگاری را به تصویب رساند، در حالی که در ایران، در این زمان و در دهه‌های پس از آن، با استیلاي حکومت دیکتاتوری، امکان تأسیس و فعالیت اتحادیه‌ها و سازمان حرفه‌ای مستقل روزنامه‌نگاری وجود نداشت و بعد از آن هم که از اوایل دهه ۱۳۴۰ شمسی، «سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات» تشکیل شد، یارای توجه به این امر را پیدا نکرد.

۳. سازمان‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاری غربی، به موازات کوشش‌های خود برای به رسمیت شناخته شدن استقلال این حرفه و تعیین شرایط اشتغال به آن و حقوق و امتیازات مادی و معنوی روزنامه‌نگار، به اقدامات خویش جهت ارتقای حیثیت اجتماعی حرفه مذکور نیز ادامه دادند. بدین منظور، در چارچوب فعالیت‌های صنفی خود، اصول اخلاقی و شرافتی حرفه روزنامه‌نگاری را مورد حمایت و حراست قرار دادند و با تشکیل شوراهای مطبوعاتی و اقدامات تعالی‌آمیز دیگر، برای استقلال نظام حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، مانند نظام‌های حرفه‌ای پزشکی، وکالت دادگستری، مهندسی معماری و نظایر آنها، نیز گام‌های بلندی برداشتند. این کوشش‌ها در سه دهه اخیر در بسیاری از کشورهای جهان سوم هم طرف توجه قرار گرفته‌اند و در برخی از این ممالک، نتایج مثبتی به بار آورده‌اند.

۴. تازه‌ترین موفقیت‌هایی که سازمان‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در کشورهای غربی و بعضی از ممالک در حال توسعه به دست آورده‌اند، مشارکت روزنامه‌نگاران در مالکیت اقتصادی و مدیریت مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی است. شرکت یافتن اعضای هیأت تحریریه روزنامه معروف «لوموند» فرانسه در مالکیت و مدیریت این مؤسسه مطبوعاتی، که از سال ۱۹۵۱ آغاز شده است و نمونه‌های دیگری که پس از آن در این کشور و کشورهای دیگر، ایجاد گردیده‌اند، در این زمینه، امیدوار کننده بوده‌اند.

۵. استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، در سطح جهانی نیز، در دو دهه گذشته، مورد حمایت بین‌المللی واقع شده است. توجه خاص اعلامیه معروف «یونسکو» درباره وسایل ارتباط جمعی (مصوب نوامبر ۱۹۷۸)،

ترجمه شده است، بهترین شاخص تحول شرایط روزنامه‌نگاری غربی در نیمه دوم قرن نوزدهم به‌شمار می‌آید. این قانون که در اوج پیشرفت لیبرالیسم اقتصادی و در «دوره طلایی» سرمایه‌داری غربی، از سوی پارلمان فرانسه به تصویب رسید، با توجه به منافع و مصالح صاحبان و مدیران مؤسسات مطبوعاتی، دو زمینه اصلی و لازم و ملزوم هم، شامل آزادی تأسیس و اداره روزنامه‌ها و محدودیت‌های این آزادی و جرائم مطبوعاتی را مورد نظر قرار داده بود. در این قانون، به روزنامه‌نگاران که رکن اساسی فعالیت مطبوعات محسوب می‌شوند، کوچک‌ترین توجهی نشده بود و حتی در سرتاسر متن ۶۵ ماده‌ای آن، نامی از آنان به‌میان نیامده بود. به همین جهت، می‌توان گفت که به سبب بی‌اعتنایی این قانون به حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران، در ایران هم که قانون یادشده به عنوان یک الگوی مطلوب، در دوره مشروطیت مورد اقتباس قرار گرفته بود، نسبت به این امر، توجهی پدید نیامد و پس از تصویب مقررات حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری در فاصله دو جنگ جهانی اول و دوم در فرانسه، باز هم تحت تأثیر شرایط اختناق حاکم بر ایران، به آن اعتنا نشد. به هنگام تهیه و تدوین قوانین مطبوعاتی بعدی رژیم سابق (قانون مطبوعات ۱۳۲۱ شمسی، لایحه قانونی مطبوعات ۱۳۳۱ شمسی و لایحه قانونی مطبوعات ۱۳۳۴ شمسی)، نیز این موضوع، همچنان مسکوت ماند.

در فرانسه و سایر کشورهای غربی، از همان اواخر قرن نوزدهم، برای جبران این بی‌توجهی و تأمین حقوق روزنامه‌نگاران، کوشش‌های گسترده‌ای آغاز گردیدند:

۱. به دنبال توسعه مبارزات کارگری و همکاری و همبستگی کارگران چاپخانه‌ها و روزنامه‌نگاران و تشکیل نخستین اتحادیه‌های روزنامه‌نگاری در فرانسه، به تدریج، مقدمات تحقق خواست‌های آنها برای تصویب مقررات قانونی حرفه‌ای فراهم شدند. در سالهای بعد از جنگ جهانی اول، تحت تأثیر شرایط جدید جهانی و تحولات داخلی فرانسه و مخصوصاً نیرومندتر شدن احزاب چپ و اتحادیه‌های کارگری، سندیکاهای روزنامه‌نگاری نیز برای تحقق هدف‌های خود، موفقیت مناسب‌تری بدست آوردند.

۲. سرانجام، در سال ۱۹۳۵، بیش از نیم

یافت. با لغو ودیعه مالی و مالیات مطبوعاتی که برای بازداشتن نیروهای انقلابی و کارگری از انتشار روزنامه‌های رادیکال مخالف، وضع شده بودند و از میان رفتن ضرورت کسب امتیاز نشر روزنامه‌ها و سانسور قبلی آنها- که به منظور ممانعت از فعالیت مخالفان و افراد غیرمورد اعتماد برای هیأت حاکمه، برقرار گردیده بود- شرایط تحقق آزادی مطبوعات فراهم گردید.

قانون مطبوعات ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ فرانسه، که به «منشور آزادی مطبوعات» معروف است و نخستین قانون مطبوعات ایران، مصوب ۵ محرم ۱۳۲۶ هجری قمری، از آن اقتباس و

به حمایت از استقلال و امنیت و حیثیت روزنامه‌نگاران در سراسر جهان و اختصاص فصول ویژه‌ای از گزارش نهایی «کمیسیون بین‌المللی یونسکو برای مطالعه درباره مسایل ارتباطات» به «حرفه‌های ارتباطات»، «حقوق و مسؤلیت‌های روزنامه‌نگاران» و هنجارهای رفتاری حرفه‌ای آنان و توصیه‌های مؤکد این کمیسیون برای تعالی این حرفه، نشانه‌های اهمیت روزافزون استقلال روزنامه‌نگاری در صحنه جهانی، به‌شمار می‌روند.

برای شناخت گسترده‌تر تحولات یادشده، بررسی درباره تشکیلات حرفه‌ای روزنامه‌نگاران، مقررات حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری، اصول شرافتی و نظام حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، مشارکت روزنامه‌نگاران در مالکیت و مدیریت مطبوعات و «حمایت بین‌المللی از استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاری»، ضروری است. در مقاله حاضر، با توجه به اهمیت موضوع، تشکیلات حرفه‌ای روزنامه‌نگاران و حمایت بین‌المللی از استقلال حرفه آنان، مورد مطالعه قرار می‌گیرند و بررسی مباحث دیگر، به شماره‌های آینده موکول می‌شود.

۱. ایجاد تشکیلات حرفه‌ای روزنامه‌نگاران

هویت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران، از نیمه دوم قرن نوزدهم، به دنبال تجارتنی و صنعتی شدن مطبوعات در کشورهای غربی، طرف توجه قرار گرفت. پیش از آن، همکاران روزنامه‌ها، که هنوز کار ثابتی در مطبوعات نداشتند و فقط نوشته‌هایی را در اختیار مدیران آنها می‌گذاشتند و برخی از آنان هم با استفاده از ستون‌های روزنامه‌ها، جاه‌طلبی‌های شخصی یا هدف‌های خاص سیاسی خود را دنبال می‌کردند، به‌عنوان ادبا و اهل قلم و یا سیاستمدار معرفی می‌شدند. با پیشرفت و گسترش روزنامه‌های بزرگ و پرتیراژ و نیاز آنها به استفاده منظم از خبرنگاران و نویسندگان خبری، به تدریج تعداد اعضای ثابت تحریریه‌ها افزایش یافت و ویژگی حرفه‌ای آنها مشخص گردید.

از آن پس، دوره فعالیت فرعی و نامنظم نویسندگان معمولی در مطبوعات، پشت سرگذاشته شد و همکاران جدید، که با وجود استعداد و قدرت نویسندگی، با نویسندگان

عادی، تفاوت پیدا کرده بودند، کار اصلی و موظف و تمام‌وقت خود را با حقوق ثابت، در اختیار مدیران مطبوعات قرار دادند. این همکاران، که به «نویسنده عمومی»^۱ هم معروف شده‌اند، دیگر مطابق ذوق و سلیقه شخصی خود، چیز نمی‌نوشتند، بلکه وظیفه نگارش و گزارش رویدادهای اجتماعی و انعکاس افکار عمومی را، عهده‌دار گردیدند.

نیاز مطبوعات جدید به اعضای ثابت تحریریه، روابط مالی و حرفه‌ای تازه‌ای بین مدیران روزنامه‌ها و همکاران روزنامه‌نگار آنها پدید آورد. پیش از آن، همکاران غیرثابت مطبوعات، حق الزحمه‌های خود را، با محاسبه تعداد مقاله‌ها و ستون‌هایی که برای روزنامه‌ها و مجله‌ها می‌نوشتند، دریافت می‌کردند. در صورتی که بعد از این، با کار منظم روزانه، می‌بایست براساس قرارداد پرداخت حقوق، خدمت کنند. بدینگونه، با ایجاد روابط جدید مبتنی بر انجام کار دائم و منظم و دریافت حقوق مرتب و معین، وضع متزلزل فعالیت همکاران خبری مطبوعات، تغییر کرد و کار روزنامه‌نگاری، به عنوان یک حرفه تخصصی، معرفی شد. پس از رواج مناسبات جدید کار حرفه‌ای بین روزنامه‌نگاران و کارفرمایان مطبوعاتی آنان، به تدریج مسایل خاص این حرفه هم آشکار گردیدند. زیرا به زودی مشخص شد که برخلاف روابط عادی انجام کار و دریافت دستمزد، که تبعیت کارگر از کارفرما در فعالیت‌های معمولی را همراه دارند، روابط شغلی روزنامه‌نگاران با صاحبان و مدیران روزنامه‌ها، دارای وضع ویژه‌ای می‌باشند. به بیان روشن‌تر، انجام وظایف روزنامه‌نگاری، همچون بسیاری از حرفه‌های «آزاد» معمول در کشورهای غربی، مانند پزشکی و وکالت دادگستری، طبیعتاً با هرگونه رابطه حرفه‌ای تبعیت‌آمیز و اطاعت‌انگیز، مغایرت دارد و برخورداری از آزادی و استقلال عمل را ایجاد می‌کند. روزنامه‌نگار، برخلاف کارگر معمولی، نیروی کار خویش را به کارفرما نمی‌فروشد، بلکه اصولاً، برای انجام رسالت خاص خود، تمام وجود خویش را در اختیار جامعه می‌گذارد. با بیانی دیگر، در مورد این حرفه، علاوه بر صلاحیت و مهارت تخصصی، تعهد و مسؤلیت وجدانی برای خدمت اجتماعی، نیز مطرح می‌شود.^۲

برای مقابله با دشواری‌ها و تعارض‌های این حرفه جدید و تأمین شرایط استقلال‌آمیز

■ پارلمان فرانسه در سال ۱۹۳۵

(نیم قرن پس از تصویب قانون

مطبوعات ۱۸۸۱ م.) قانون

مخصوص حرفه

روزنامه‌نگاری را به تصویب

رساند.

■ روزنامه‌نگاران غربی برای

ارتقای حیثیت اجتماعی حرفه

خود، در چارچوب فعالیت‌های

صنفي، اصول اخلاقی و

شرافتی حرفه روزنامه‌نگاری را

مورد حمایت و حراست قرار

دادند.

آن، جنبش‌های سندیکایی ممالک غربی، از اواخر قرن نوزدهم، کوشش‌های پی‌گیری را دنبال کردند. روزنامه‌نگاران کشورهای جهان سوم و از جمله ایران، پس از جنگ جهانی دوم در این مسیر گام گذاشتند.

الف. کوشش‌های روزنامه‌نگاران غربی

هواداری تشکیلات کارگری از خواست‌های صنفی روزنامه‌نگاران، در برخی از کشورهای غرب و مخصوصاً فرانسه، به پیشرفت مبارزات آنان کمک‌های بسیار شایانی نمود. در این میان، مخصوصاً کارگران حرفه‌چین چاپخانه‌ها نقش مهمی ایفا کردند. «فدراسیون کارگران کتاب فرانسه»^۳ که در سال ۱۸۸۱، همزمان با تصویب قانون معروف آزادی مطبوعات (مصوب ۲۹ ژوئیه آن سال)، تأسیس شد، از همان آغاز فعالیت خود، همبستگی و همکاری وسیعی با روزنامه‌نگاران این کشور برقرار ساخت.

پیش از آن که نخستین سندیکای روزنامه‌نگاران در سال ۱۸۸۴، به ابتکار و کوشش یک روزنامه‌نگار آمریکایی موسوم به «مک‌کلور» در ایالات متحده، تأسیس شود**، روزنامه‌نگاران فرانسه، به ایجاد انجمن‌های خاص خود پرداخته بودند. قدیمی‌ترین این انجمن‌ها، به نام «انجمن روزنامه‌نگاران جمهوری‌خواه»، دقیقاً در همان سال ۱۸۸۱، برای حمایت از اجرای قانون آزادی مطبوعات یاد شده، به وجود آمد. به دنبال آن، انجمن‌های دیگری نظیر «انجمن روزنامه‌نگاران پارلمانی»،

■ کوشش‌های مربوط به استقلال نظام حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، مانند نظام‌های حرفه‌ای پزشکی، وکالت دادگستری، مهندسی، معماری و... در سه دهه اخیر در بسیاری از کشورهای جهان سوم هم طرف توجه قرار گرفته است.

«انجمن روزنامه‌نگاران مطبوعات دیپلماتیک»، «انجمن روزنامه‌نگاران پارسی»، نیز ایجاد شدند. اینگونه انجمن‌ها، بیشتر نوعی مجامع دوستانه بودند و برخی از آنها به هدف‌های اجتماعی خاص، مانند کمک‌های بهداشتی و بازنشستگی برای همکاران مطبوعاتی، نیز توجه داشتند. در سال ۱۸۸۶، گروهی از روزنامه‌نگاران کاتولیک فرانسه، «اتحادیه نشردهندگان مسیحی» را تشکیل دادند. این اتحادیه، ده سال بعد، به «سنديکای روزنامه‌نگاران پارسی» تبدیل شد و در سال‌های پس از آن، «سنديکای روزنامه‌نگاران فرانسه»، که اکنون هم فعالیت دارد، به جای آن، پدید آمد اما این تشکل مطبوعاتی، با وجود آن که پیش از همه تشکیلات دیگر روزنامه‌نگاران، نام «سنديکا» بر خود گذاشت، یک انجمن کم‌وبیش عقیدتی به‌شمار می‌رفت و خصوصیت صنفی مدافعه‌گری آن، محدود بود.^۴

از اوایل قرن بیستم، ایجاد سنديکاهای صنفی روزنامه‌نگاری بیش از پیش مورد توجه روزنامه‌نگاران اروپایی قرار گرفت. تأسیس اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران،^۵ در انگلستان، که در سال ۱۹۰۷ صورت گرفت، از کوشش‌های مهم در این زمینه به‌شمار می‌رود. سنديکالیسم روزنامه‌نگاری، به معنای واقعی کلمه، پس از جنگ جهانی اول، به دنبال دگرگونی‌های عمیقی که تحت تأثیر این جنگ و مخصوصاً انقلاب روسیه، در جوامع غربی و همچنین اندیشه‌های اجتماعی به‌وجود آمدند، پدیدار شد. در این شرایط نوین، تعداد محدودی از روزنامه‌نگاران فرانسوی، که در صف مقدم مبارزات صنفی قرار داشتند، در دهم مارس ۱۹۱۸، «سنديکای روزنامه‌نگاران» را تأسیس کردند و پس از مدت کوتاهی، نام آن را به «سنديکای ملی روزنامه‌نگاران»،^۶ که اکنون نیز مهم‌ترین و با نفوذترین تشکیلات صنفی روزنامه‌نگاران فرانسوی است، تبدیل نمودند. این اقدام، در آن زمان تا حدی غوغاانگیز شد. زیرا، تعداد بسیار کمی از افراد، حتی در میان اعضای حرفه روزنامه‌نگاری، آمادگی ذهنی داشتند. تا روزنامه‌نگاران و کارگران یدی را، که در آن زمان تنها گروه‌های دارای سنديکا به‌شمار می‌رفتند، در ردیف هم قرار دهند. علاوه بر این، برای آن که تمام روزنامه‌نگاران، صرف‌نظر از وابستگی‌های سیاسی و گوناگونی مراتب اجتماعی و حرمت‌های فردی آنها، همه در یک

سازمان متشکل شوند، نیز توافق فکری وجود نداشت.

با تمام احسوال، سنديکای جدید روزنامه‌نگاران، از هدف‌ها و برنامه‌های اصلی خود منحرف نشد. پیش از هر چیز، سنديکا تلاش کرد تا با متمایز شناختن روزنامه‌نگاران از ارباب ادب و سیاست، که تا آن موقع روزنامه‌نگاری تا حدود زیادی با آنها مشتبه می‌گردید، این حرفه را به عنوان یک واحد خاص و منحصر به‌خود آن معرفی کند. برای نیل به این مقصود، بدست دادن تعریفی از «روزنامه‌نگار حرفه‌ای»، یعنی کسی که روزنامه‌نگاری را به عنوان شغل معاشی خود برمی‌گزیند، اهمیت فراوان پیدا می‌کرد. تا آن زمان، هنوز هم برای بسیاری از کسانی که در کنار شغل اصلی خود، با مطبوعات همکاری می‌نمودند روزنامه‌نگاری جنبه آماتوری داشت و به همین جهت، کوشش گردانندگان سنديکا، بیشتر معطوف به آن بود که با این وضع به مقابله پردازند و شرایط ضروری حرفه‌ای شدن روزنامه‌نگاری را براساس آزادی و استقلال فکری و حرمت و حیثیت فردی و تأمین مادی و معنوی روزنامه‌نگار، فراهم سازند.

هدف‌های مورد نظر در این زمینه، با کوشش‌های گسترده و پرشتاب، تحقق یافتند: — یکی از نخستین اقدامات «سنديکای ملی روزنامه‌نگاران»، «تهیه و تدوین» منشور و وظایف حرفه‌ای روزنامه‌نگاران فرانسه^۷ بود که چندماه پس از تأسیس سنديکا، در ژوئیه ۱۹۱۸، انتشار یافت. این منشور، که در سال ۱۹۳۸ مورد تجدیدنظر قرار گرفت و تکمیل گردید در حال حاضر نیز به علت عدم تدوین و تصویب یک متن قانونی مصوب پارلمان و یا حداقل مورد توافق تمام تشکیلات حرفه‌ای، بدون آنکه کاربرد حقوقی واقعی داشته باشد، همچنان به عنوان «مقررات شرافتی» حرفه روزنامه‌نگاری، شناخته می‌شود.

— در سال ۱۹۱۹، سنديکای مذکور، نخستین طرح «پیمان دسته‌جمعی کار روزنامه‌نگاران»^۸ را، که برای آن دوره، طرحی پیش‌تاز به شمار می‌رفت و امکان پذیرش آن از سوی صاحبان و مدیران مطبوعات بسیار کم بود، عرضه کرد. طرح مذکور از لحاظ شرایط زمانی، پراهمیت شناخته شد و به عنوان یک نمونه مترقی، در اندیشه‌ها اثر گذاشت. — چندسال بعد، به دنبال تقویت سازماندهی داخلی و مدیریت سنديکا،

گردانندگان آن توانستند توجه دولت را به ضرورت تعیین حداکثر ساعات کار روزنامه‌نگاران جلب کنند. به همین لحاظ، به موجب قانون مصوب ۲۵ ژوئیه ۱۹۲۵، که نخستین قانون حمایت‌کننده از حرفه روزنامه‌نگاری در طول نیم قرن عمر جمهوری سوم فرانسه (از سال ۱۸۷۱) به‌شمار می‌رفت، ضمن تصویب مدت ۸ ساعت کار روزانه برای روزنامه‌نگاران، دو روز استراحت هفتگی (روزنامه‌ها در آن زمان، در تمام هفت روز هفته منتشر می‌شدند)، نیز برای آنان پیش‌بینی گردیدند.^۱

— در ژوئن ۱۹۲۶، به دعوت «سندیکای ملی روزنامه‌نگاران»، نمایندگان سازمان‌های حرفه‌ای مشابه در کشورهای اروپایی دیگر، در پاریس اجتماع کردند و شالوده آنچه را که مدتی بعد، به «فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران»^{۱۱} معروف شد، پایه‌ریزی کردند.

— در سال ۱۹۲۷، به کوشش سندیکای مذکور، «صندوق کل بازنشستگی مطبوعات فرانسه»^{۱۱} تأسیس شد. سندیکا، در سال ۱۹۲۸، یک طرح جدید «پیمان دسته‌جمعی کار»، را، که کامل‌تر از طرح قبلی بود آماده کرد و به «فدراسیون ملی روزنامه‌های فرانسه»^{۱۲} تأسیس شده در سال ۱۹۲۵ و ترکیب یافته از سه سندیکای اصلی مدیران مطبوعات، شامل «سندیکای مطبوعات پاریس»، «سندیکای روزنامه‌های روزانه منطقه‌ای» و «سندیکای روزنامه‌های روزانه شهرستان‌ها»، ارائه داد. در ۲۱ ژوئن ۱۹۲۹، یک کمیسیون مشترک، با مشارکت نمایندگان «فدراسیون ملی روزنامه‌های فرانسه»، «سندیکای ملی روزنامه‌نگاران» و «کمیته کل انجمن‌های مطبوعات»^{۱۳} برای بررسی طرح جدید، ایجاد شد. این کمیته، مدت دو سال به بررسی درباره آن ادامه داد و با وجود جهت‌گیری نامساعد «سندیکای روزنامه‌های روزانه منطقه‌ای»، در ژوئن ۱۹۳۱ موفق شد، متن نهایی طرح «پیمان دسته‌جمعی کار» روزنامه‌نگاران را، در ۴۶ ماده تدوین کند. اما به علت ادامه مخالفت سندیکای اخیر و ارائه یک طرح پیشنهادی تازه، از سوی «سندیکای مطبوعات پاریس»، در مقابل طرح موردنظر کمیسیون مشترک، سرانجام تمام کوشش‌ها، بی‌نتیجه ماندند.^{۱۴}

در این میان، بر اثر پدید آمدن یک جریان جدید بین‌المللی، در جهت بهبود وضعیت کار

روزنامه‌نگاران، شرایط مساعدتری برای تحقق خواست‌های «سندیکای ملی روزنامه‌نگاران» فرانسه ایجاد شدند. لازم به یادآوری است که در سال ۱۹۲۸ «دفتر بین‌المللی کار»،^{۱۵} وابسته به «جامعه ملل»، به دنبال تحقیقی وسیع، یک گزارش مطالعاتی درباره «شرایط کار و زندگی روزنامه‌نگاران»^{۱۶} منتشر کرده بود. در ژوئیه ۱۹۳۲، نیز دفتر مذکور، گزارش تهیه شده از سوی کمیسیون کارگران فکری را - که خود در سال ۱۹۲۹ تأسیس کرده بود - در اختیار تمام دولتها و تمام انجمن‌های مطبوعاتی کشورهای عضو «جامعه ملل» قرار داد. در این گزارش، مخصوصاً بر ضرورت برقراری پیمان‌های دسته‌جمعی کار و لزوم مداخله دولتها برای تسهیل یا ترویج آنها، تأکید شده بود.

بدین‌گونه، در فرانسه، در شرایطی که به سبب مخالفت سندیکاهای کارفرمایان

■ **توجه خاص اعلامیه معروف «یونسکو» درباره وسایل ارتباط جمعی (مصوب نوامبر ۱۹۷۸)**، به حمایت از استقلال و امنیت و حیثیت روزنامه‌نگاران در سراسر جهان به همراه دیگر اقدامات این سازمان نشانه‌ای از اهمیت روزافزون استقلال روزنامه‌نگاری در صحنه جهانی، به‌شمار می‌روند.

■ **انجام وظایف روزنامه‌نگاری، همچون بسیاری از حرفه‌های «آزاد» معمول در کشورهای غربی، مانند پزشکی و وکالت دادگستری، طبیعتاً با هرگونه رابطه حرفه‌ای تبعیت‌آمیز و اطاعت‌انگیز، مغایرت دارد و برخورداری از آزادی و استقلال عمل را ایجاب می‌کند.**

مطبوعاتی، امکان توافق در زمینه خواست‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، از طریق پیمان‌های دسته‌جمعی، وجود نداشت، روزنامه‌نگاران برای تحقق آنها، به مسیر کوشش‌های پارلمانی و وضع قانون خاص برای حمایت از استقلال این حرفه، متوسل گردیدند.^{۱۷}

با تصویب قانون استقلال حرفه روزنامه‌نگاری، در ۲۹ مارس ۱۹۳۵، از طرف پارلمان فرانسه - که در بخش بعد این مقاله بررسی می‌شود - مبارزات پنجاه ساله روزنامه‌نگاران این کشور، به ثمر رسیدند.

ب - فعالیت‌های روزنامه‌نگاران در ایران
در ایران هم مثل ممالک غربی، چندین دهه قبل از آن که تشکیلات صنفی روزنامه‌نگاران به معنای دقیق کلمه پدید آیند، کوشش‌هایی از سوی کارگران چاپخانه‌ها در این زمینه، صورت گرفتند. به دنبال آن، روزنامه‌نگاران نیز به تدریج سازمان‌های خاصی ایجاد کردند، که بیشتر جنبه‌های سیاسی

داشتند و از احزاب و گروه‌های مختلف پیروی می‌نمودند. این‌گونه تشکیلات در دوره بین شهریور ۱۳۲۰ و مرداد ۱۳۳۲، فعالیت داشتند در دوره پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سازمان‌های مطبوعاتی خاصی با حمایت دولت پدید آمدند و تنها در سال‌های آخر رژیم سلطنتی و مخصوصاً در آخرین ماه‌های قبل از سقوط آن، سازمان‌هایی در جهت دفاع از آزادی بیان و مطبوعات، به فعالیت پرداختند. نخستین سازمان صنفی و حرفه‌ای روزنامه‌نگاران، موسوم به «سندیکای خبرنگاران و نویسندگان مطبوعات» نیز در دوره اخیر تأسیس شد.***

۲. حمایت بین‌المللی از استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران

توجه بین‌المللی به مسایل استقلال

■ **تازه‌ترین موفقیت‌هایی که سازمان‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در کشورهای غربی و بعضی از ممالک در حال توسعه به دست آورده‌اند، مشارکت روزنامه‌نگاران در مالکیت اقتصادی و مدیریت مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی است.**

■ **هویت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران، از نیمه دوم قرن نوزدهم، به دنبال تجارتي و صنعتی شدن مطبوعات در کشورهای غربی، طرف توجه قرار گرفت.**

■ **روزنامه‌نگاران، از نیمه دوم**

■ **قرن نوزدهم، به دنبال**

■ **تجارتي و صنعتی شدن**

■ **مطبوعات در کشورهای**

■ **غربی، طرف توجه قرار گرفت.**

حرفه‌ای و حمایت روزنامه‌نگاران، از نتایج کوشش‌های دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، کشورهای جهان سوم در راه مقابله با سلطه فرهنگی و ارتباطی قدرت‌های سرمایه‌داری و برقراری یک «نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات» است.

در دوره پس از جنگ جهانی دوم، دولت‌های غربی و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، براساس اصول «منشور ملل متحد»، برای حمایت از «آزادی‌های اساسی فرد» و «حقوق بشر»، در جهت حفظ صلح و تفاهم بین‌المللی، بیشتر به مسائل مربوط به آزادی

مطبوعات و اطلاعات، به منظور پیشبرد سیاست معروف «جریان آزاد اطلاعات» در جهان، توجه داشتند.

تصویب قطعنامه شماره ۵۹ نخستین اجلاس مجمع عمومی ملل متحد (سال ۱۹۴۶ میلادی) درباره آزادی اطلاعات و تصمیم این مجمع به موجب قطعنامه مذکور، برای تشکیل «کنفرانس بین‌المللی آزادی اطلاعات» در ماه‌های مارس و آوریل ۱۹۴۸ در شهر «ژنو» سوئیس و همچنین اختصاص ماده ۱۹ «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ مجمع عمومی ملل متحد، به «آزادی اطلاعات»، از جمله کوشش‌های مهمی بودند که در راه تحقق سیاست یادشده، دنبال می‌شدند.

اگر چه در سال ۱۹۶۶، با تصویب «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، از سوی مجمع عمومی ملل متحد که در مواد ۱۹ و ۲۰ آن، ضمن تأکید بر «آزادی اطلاعات»، محدودیت‌های آن نیز مشخص گردیدند - عکس‌العمل‌های جهانی علیه سیاست «جریان آزاد اطلاعات»، برای نخستین بار به نتیجه رسیدند اما مبارزات قاطع علیه این سیاست، از اوایل دهه ۱۹۷۰، با کوشش‌های گسترده ممالک دنیای سوم در طول مباحثات ارتباطی جهانی «سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد» (یونسکو) و تصمیمات قاطع این سازمان، برای نیل به «جریان آزاد و متعادل اطلاعات» و مقابله با هجوم اطلاعاتی سیل‌آسا و یک سوئه کشورهای غربی، صورت گرفتند.

الف. اعلامیه «یونسکو» در مورد وسایل ارتباط جمعی

در میان این تصمیمات، تصویب اعلامیه پرسروصدای مربوط به نقش وسایل ارتباط جمعی در روابط بین‌المللی، که از همان زمان پیشنهاد آن در سال ۱۹۷۲، با مخالفت شدید کشورهای غربی و مخصوصاً آمریکا روبرو شده بود و در طول چهار اجلاس «کنفرانس عمومی یونسکو» در سال‌های ۱۹۷۲، ۱۹۷۴، ۱۹۷۶ و ۱۹۷۸، «مباحثات بین‌المللی ارتباطات» را به خود مشغول ساخته بود، به سبب توجه خاص آن به مسایل استقلال حرفه‌ای و حمایت روزنامه‌نگاران، اهمیت ویژه‌ای دارد.

این اعلامیه، که با عنوان «اعلامیه (یونسکو) درباره اصول بنیادی مربوط به

مساعدهت وسایل ارتباط جمعی در تحکیم صلح و تفاهم بین‌المللی، پیشبرد حقوق بشر و مبارزه علیه نژادپرستی، آپارتاید و تحریک به جنگ»، در تاریخ ۲۸ نوامبر ۱۹۷۸ مورد تصویب «کنفرانس عمومی» یونسکو واقع شد. ۱۸ علاوه بر آن که در مقدمه خود بر «آرمان‌های ممالک در حال توسعه برای برقراری یک نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات عادلانه‌تر و مؤثرتر» تأکید کرده، مسایل یادشده درباره روزنامه‌نگاران را هم در چند ماده، مورد نظر قرار داده است:

الف. در بند دوم ماده ۲ اعلامیه، از آزادی و تسهیل دستیابی روزنامه‌نگاران به اطلاعات، حمایت شده است. در این بند ضمن تأکید بر ضرورت تضمین دستیابی همگان به اطلاعات و حصول اطمینان آنان به صحت رویدادها، یادآوری گردیده است که «... بدین منظور، روزنامه‌نگاران باید از آزادی اطلاع دادن و بزرگترین تسهیلات ممکن برای دستیابی به اطلاعات، برخوردار باشند...».

ب. بند چهارم همین ماده نیز به ضرورت حمایت از حرفه روزنامه‌نگاری اختصاص یافته است. در این بند، گفته شده است «... برای آنکه وسایل ارتباط جمعی توانایی داشته باشند در فعالیت‌های خود، اصول اعلامیه حاضر را پیشرفت دهند، ضروری است که روزنامه‌نگاران و سایر کارگزاران وسایل ارتباط جمعی، در کشور خودشان یا در خارج، از حمایتی که بهترین شرایط را برای اعمال حرفه آنان تضمین می‌کند، برخوردار باشند...».

پ. در ماده ۸ اعلامیه هم از مقررات شرافت حرفه‌ای روزنامه‌نگاری سخن به میان آمده است. در این ماده خاطر نشان شده است: «سازمانهای حرفه‌ای و همچنین اشخاصی که در تربیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران و سایر کارگزاران وسایل ارتباط جمعی مشارکت دارند و به آنها کمک می‌کنند تا وظایف خودشان را به گونه‌ای مسؤولانه انجام دهند، باید در مقررات شرافت حرفه‌ای که برقرار می‌سازند و بر اجرای آن نظارت می‌نمایند، برای اصول اعلامیه حاضر، اهمیت خاصی قایل شوند.»

ت. ماده ۹ اعلامیه، نیز وظیفه جامعه بین‌المللی برای کمک به حمایت روزنامه‌نگاران را مطرح ساخته و اضافه کرده است: «در انطباق با روح اعلامیه حاضر، بر جامعه بین‌المللی است که... به شرایط حمایت روزنامه‌نگاران و سایر کارگزاران اطلاعات در

انجام وظایف آنان کمک کند. «یونسکو» برای رساندن کمکی گرانها در این زمینه، از موقعیت خوبی برخوردار است.

ث. در ماده ۱۰ اعلامیه هم بر ضرورت ایجاد شرایط لازم برای روزنامه‌نگاران تمام دنیا، در جهت تحقق هدف‌های موردنظر در همین اعلامیه، تکیه شده است. به همین جهت، یادآوری گردیده است: «... ضروری است که در سراسر جهان برای وسایل ارتباط جمعی و افرادی که از لحاظ حرفه‌ای وقت خود را به انتشار اطلاعات اختصاص می‌دهند، شرایط لازم برای تحقق هدف‌های این اعلامیه، ایجاد و حفظ شود.»

ب. گزارش «کمیسیون بین‌المللی یونسکو برای مطالعه دربارهٔ مسایل ارتباطات» به دنبال تصویب اعلامیه مذکور، در

ارتباطات و رابطه آن با نظم بین‌المللی نوین اقتصادی»، «حق ارتباط» و «تأمین و حمایت عینی‌گرایی و استقلال وسایل ارتباط جمعی» را مورد مطالعه قرار داده بود، در گزارش نهایی خود، جایگاه برجسته‌ای برای حمایت از استقلال حرفه روزنامه‌نگاری در نظر گرفت.

گزارش نهایی کمیسیون مذکور، که در ژانویه ۱۹۸۰ تحت عنوان «صداهای متعدد، جهان واحد: ارتباط و جامعه، امروز و فردا» به سوی یک نظم جهانی نوین اطلاعات و ارتباطات عادلانه‌تر و مؤثرتر،^{۲۰} از طرف «یونسکو» به زبان‌های انگلیسی و فرانسه، انتشار یافت و در پاییز همان سال، در بیست‌ویکمین اجلاس کنفرانس عمومی در بلگراد مورد تصویب قرار گرفت، شامل پنج قسمت بزرگ است.

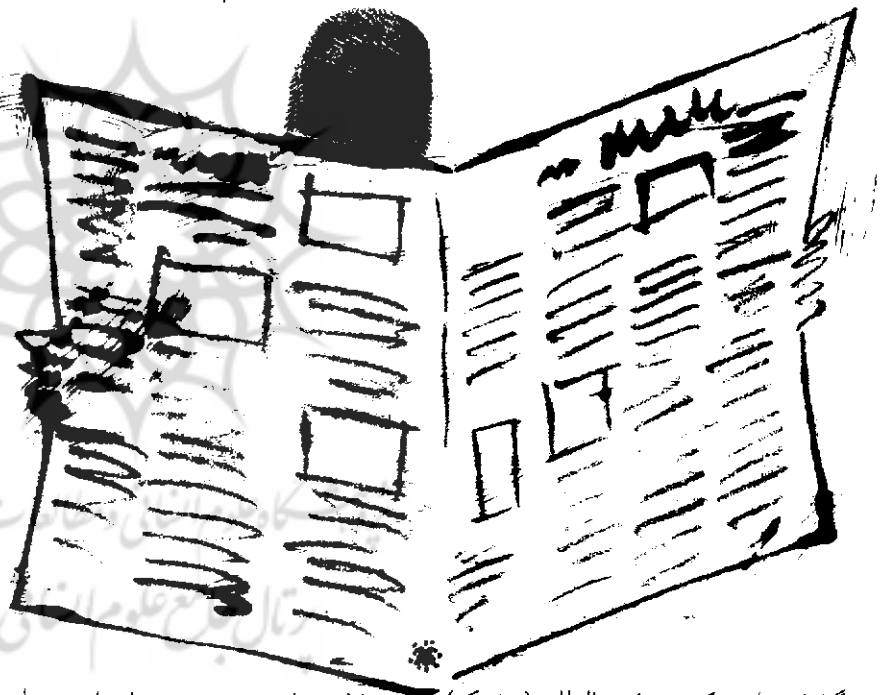
در قسمت یکم گزارش، تحت عنوان

اشتغال‌های ذهنی مشترک»، طی پنج فصل، پس از بررسی «انحراف‌های جریان اطلاعات» و مخصوصاً یک جهتی بودن این جریان و همچنین سلطه جهانی بر بازار اطلاعات، «ویژگی‌های مهم محتوای ارتباطات» و از آن جمله، تحریف اخبار، از خودبیبگانگی فرهنگی و نفوذهای خارجی، ضرورت توجه به «دموکراتیک‌سازی ارتباطات» در جهان و به‌ویژه موانع آن و چگونگی از میان بردن آنها، «ظهور اندیشه انتقادی»، «حق ارتباط»، «تصویرهای جهان»، شامل جنگ و خلع سلاح، گرسنگی و فقر، تعارض‌های شمال و جنوب و شرق و غرب، تجاوز به حقوق بشر و «مخاطبان و افکار عمومی»، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

در قسمت چهارم این گزارش، تحت عنوان «چارچوب نهادی و حرفه‌ای» ارتباطات، ضمن شش فصل، به ترتیب «سیاست‌های ارتباطی»، «منابع مادی» ارتباطات، «نقش پژوهش»، «حرفه‌های ارتباطات»، «حقوق و مسؤلیت‌های روزنامه‌نگاران» و «هنجارهای رفتاری حرفه‌ای» آنها، بررسی شده‌اند. قسمت پنجم گزارش، تحت عنوان «ارتباطات فردا»، هم به نتیجه‌گیری‌ها و پیشنهادها، اختصاص یافته است.

بدین‌گونه، با بررسی مسائل مربوط به استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران در آخرین مباحث قسمت اصلی پایان گزارش و پیش از نتیجه‌گیری‌های کلی، بر اهمیت ویژه آنها در میان مسایل ارتباطات معاصر، تأکید گذاشته شده است.

همچنین باید یادآوری کرد که در سیاست‌ها و برنامه‌های ارتباطی جدید «یونسکو» - که از پاییز ۱۹۸۹ آغاز شده‌اند و به اجرای یک «استراتژی نوین ارتباطی» منجر گردیده‌اند - به‌منظور پیشبرد هدف‌های تازه این سازمان بین‌المللی، در جهت کمک به توسعهٔ وسایل ارتباط جمعی مستقل و کثرت‌گرا، برای پیشرفت و گسترش استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران، اهمیت ویژه‌ای در نظر گرفته شده است. به همین لحاظ، در اعلامیهٔ نهایی «سمینار مربوط به پیشبرد وسایل ارتباطی مستقل و کثرت‌گرای آسیایی»، که در اکتبر ۱۹۹۲ در «آلماتا» مرکز جمهوری قزاقستان برگزار شد، ضمن پیشنهادهای مصوب سمینار، علاوه بر تأکیدی که در بند ۲ پیشنهادها، بر آموزش «اصول بین‌المللی آزادی انجمن‌ها و



«ارتباط و جامعه»، ضمن سه فصل بعدهای تاریخی، کنونی و بین‌المللی ارتباطات و در فصل اخیر آن، عدم تعادل‌ها و نابرابری‌های اطلاعات و ارتباطات جهانی و مباحث بین‌المللی مربوط به آنها در یونسکو، تشریح شده‌اند. قسمت دوم، تحت عنوان «ارتباطات امروز»، در شش فصل، وسایل ارتباطی، تمرکز آنها، زیرساخت‌ها، همگرایی و گوناگونی وسایل ارتباطی، تمرکز مؤسسات ارتباطی، گرایش‌های اجتماعی مربوط به ارتباطات و پراکندگی‌های ارتباطات، را ارائه کرده است. در قسمت سوم تحت عنوان «مسایل ارتباطات:

گزارش نهایی «کمیسیون بین‌المللی (یونسکو) برای مطالعه دربارهٔ مسایل ارتباطات»^{۲۱}، موسوم به کمیسیون «مک‌براید» - وزیر امور خارجه پیشین ایرلند - که ریاست آن را به عهده داشت، توجه بیشتر و گسترده‌تری به مسایل استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران، معطوف گردید.

این کمیسیون، که در طول دو سال، از پاییز ۱۹۷۷ تا پاییز ۱۹۷۹، با مأموریت از سوی کنفرانس عمومی «یونسکو»، حیاتی‌ترین مسایل ارتباطات شامل «جریان آزاد و متعادل اطلاعات»، «نظم جهانی نوین اطلاعات و

12. Fédération Nationale des Journaux Français (F.N.J.F.).

13. Comité Général des Associations de presse (C.G.A.P.).

14. Fernand Terrou, Ibid. p. 41.

15. Bureau International du Travail (B.I.T.).

16. Les Conditions du travail et de vie des Journalistes.

17. Fernand Terrou, Ibid. p. 42.

18. Declaration on Fundamental Principles Concerning the Contribution of the Mass Media to Strengthening Peace and International Understanding, to the Promotion of Human Rights and to Countering Racialism, Apartheid and Incitement to war.

برای مطالعه ترجمه فارسی متن کامل این اعلامیه، به مأخذ

زیر مراجعه شود:

— کاظم معتمدزاد. ارتباطات بین‌المللی. تهران: انتشارات گروه علوم ارتباطات اجتماعی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۶۹ شمسی، صص ۱۹۸ تا ۲۰۷.

19. The International Commission for the Study of Communication Problems.

20. Many Voices, One world: Communication and Society, today and tomorrow - towards a new More Just and More Efficient world information and Communication order. Paris: Unesco 1980.

ترجمه فارسی متن انگلیسی مختصر شده این گزارش، به وسیله منوچهر پاد، تحت عنوان «یک جهان و چندین صدا» با مقدمه کاظم معتمدزاد در مورد «جهان سوم در راه برقراری نظم بین‌المللی نوین اطلاعات و ارتباطات»، از سوی انتشارات سروش در سال ۱۳۶۹ منتشر شده است.

۲۱. کاظم معتمدزاد. «دگرگونی سیاست‌ها و برنامه‌های ارتباطی یونسکو»، استراتژی نوین ارتباطی، به جای «نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات». رسانه، سال ششم، ش ۴، زمستان ۱۳۷۴، صص ۲ تا ۱۵.

حکم مصوبات ملی آن تلقی شدند، بیشتر آشکار می‌شود.

بمدین‌گونه، می‌توان امیدوار بود که دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی علاوه بر اقدام‌هایی که برای تأمین و ارتقاء حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران در داخل کشورهای خود، به عمل می‌آورند در سطح بین‌المللی و مخصوصاً در قالب همکاری‌های منطقه‌ای، نیز برای پیشبرد این حقوق، کوشش کنند. □

* مقاله حاضر خلاصه‌ای از دو بخش کتاب آماده انتشار نویسنده دربارهٔ حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری است.

* * این سندیکا، بک اتحادیه صنفی روزنامه‌نگاری، به معنای دقیق کلمه، نبود و نوعی همکاری و مشارکت حرفه‌ای برای تهیه گزارش‌های خبری و مقاله‌های تفسیری و فروش آنها به مطبوعات، به‌شمار می‌رفت. مهاکون، در ایالات متحده آمریکا، مؤسسات فراوانی، از این نوع، تحت‌عنوان سندیکا، فعالیت می‌کنند.

* * * در متن اصلی این مبحث در کتاب «حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری»، به ترتیب، «تشکیلات صنفی کارگران چاپ»، «دستخستین تشکیلات سیاسی روزنامه‌نگاران»، «تشکیلات مطبوعاتی طرفدار دولت در دورهٔ پس از کودتای ۲۸ مرداد، ۱۳۳۲»، «اولین سازمان صنفی روزنامه‌نگاران: سندیکای نویسندگان و خبرنگاران - تقویت خصیلت صنفی سندیکا و تأسیس صندوق رفاه، کوشش برای احداث کوی نویسندگان، امضای قرارداد کار دسته‌جمعی، از اعتراض‌ها تا اعتصاب‌ها، مسئلهٔ پاکسازی مطبوعات، و همچنین تشکیلات هوادار آزادی نشر کتاب و مطبوعات در دورهٔ انقلاب اسلامی: کانون نویسندگان ایران و انجمن دفاع از آزادی مطبوعات، معرفی و بررسی شده‌اند.

1. Ecrivain Public (F).

2. Bernard Voyenne. L'Information aujourd'hui. Paris: Armand colin, 1979. pp. 138,139.

3. Fédération Française des Travailleurs du Livre.

4. B. Voyenne. L'Information aujourd'hui. Paris: Armand colin, p. 146.

5. The National Union of Journalists (N.U.J.).

6. Syndicat National des Journalistes (S.N.J.).

7. La Charte des Devoirs des Journalistes Français.

8. Convention Collective de Travail des Journalistes.

9. Fernand Terrou. "L' Evolution du droit de la presse de 1881 à 1940" in Claude Bellanger et autres (sous la direction de). Histoire générale de la Presse Française. Paris: p.u.f., tome 3, 1972, p. 41.

10. Fédération Internationale des Journalistes (F.I.J.).

11. Caisse Générale des Retraites de la presse Française (C.G.R. P.F.).

جمعیت‌ها، روابط مدیران و کارمندان، مهارت‌های قرارداد همکاری جمعی، حقوق و مسئولیت‌های انجمن‌های منتخب روزنامه‌نگاران، مدیران و همکاران بخش‌های خبری رادیو و تلویزیون و ناشران صورت گرفته است، بند خاصی نیز به «انجمن‌های حرفه‌ای»، اختصاص یافته است.

در بند ۶ پیشنهادهای یادشده دربارهٔ «انجمن‌های حرفه‌ای»، از ضرورت «مساعدت به روزنامه‌نگاران، مدیران مطبوعات، ناشران و همکاران رادیو - تلویزیون ها... برای تأمین انجمن‌ها، سندیکاها یا اتحادیه‌های روزنامه‌نگاران و انجمن‌های مدیران مطبوعات و ناشران و همکاران رادیو - تلویزیونی، به صورت منتخب و حقیقتاً مستقل در کشورهایی که هنوز چنین تشکیلاتی وجود ندارند»، سخن به میان آمده است. ۲۱

■ در ماده ۸ اعلامیه یونسکو

در مورد وسایل ارتباط

جمعی آمده است:

«سازمانهای حرفه‌ای و

همچنین اشخاصی که در

تربیت روزنامه‌نگاران

مشارکت دارند و به آنها

کمک می‌کنند تا وظایف

خودشان را به گونه‌ای

مسئولانه انجام دهند، باید

در مقررات شرافت حرفه‌ای

که برقرار می‌سازند و بر

اجرای آن نظارت می‌نمایند،

برای اصول اعلامیه حاضر،

اهمیت خاصی قایل شوند.»

اهمیت مفاد اعلامیه نهایی سمینار مذکور، با در نظر گرفتن آن که متن این اعلامیه و همچنین متن اعلامیه سمینار قبلی (اعلامیه سمینار پیشبرد مطبوعات مستقل و کثرت‌گرایی آفریقایی - ویندهوک، ماه مه ۱۹۹۱) و متن اعلامیه سمینار بعدی (اعلامیه سمینار توسعه وسایل ارتباطی دموکراسی در آمریکای لاتین و کارائیب - سانتیاگو، ماه مه ۱۹۹۴)، در آخرین اجلاس کنفرانس عمومی «یونسکو» (پاییز ۱۹۹۵) از سوی دولت‌های عضو این سازمان بین‌المللی و از جمله، دولت جمهوری اسلامی ایران، مورد تأیید و تصویب قرار گرفتند و در